

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دمیتری سدوف

برگردان و افزوده از: ا. م. شیر

۱۸ اکتوبر ۲۰۱۲

تیمارستان [دارالمجانین] نوبل

یک خبر غیرمنتظره و عجیب از کمیته نوبل: جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا...، سازمانی که ۲۷ کشور اروپائی را در خود جمع کرده و، طبق اساسنامه، موظف به حل و فصل مناقشات نظامی- سیاسی بین المللی نیست، اعطاء گردید. اتحادیه اروپا حتی دارای یک نهاد، به سخن دیگر، یک سازمان نظامی خاص خود نمی باشد تا به امر «برقراری صلح» مشغول بشود. اتحادیه قوم و خویشی اروپا برای چنین منظوری به پیمان نظامی موجود، ناتو تکیه می کند.

اما به طوریکه رئیس کمیته نروژی نوبل، توربرن یانگلاند اعلام کرد، مبارزه موفقیت آمیز در راه برقراری صلح و حل صلح آمیز مناقشات، دموکراسی و حقوق بشر بزرگترین دستاورد اتحادیه اروپا به شمار می آید. در جمله بندی جایزه گفته می شود: «جایزه صلح سال ۲۰۱۲ به خاطر متحد ساختن اروپا و تبدیل آن از قاره جنگ به قاره صلح، به اتحادیه اروپا اعطاء می گردد».

حیرت انگیز است!

اروپا، زمانی که فاشیسم المان در سال ۱۹۴۵ در هم کوبیده شد، «از قاره جنگ به قاره صلح» تبدیل گردید. آنوقت هیچ نشانی از اتحادیه اروپا وجود نداشت. جامعه کشورهای اروپائی، بعدها در دوره رویارویی دو بلوک، در سند نهائی کنفرانس سال ۱۹۷۵ هلسنکی، در سند تا کنون معتبر، اگر چه غرب از مدتها پیش زیر پا گذاشته، مطرح گردید.

آشفته گی نظم بین المللی اروپائی پس از آن که میخائیل گوربچوف، برنده آینده جایزه نوبل و تیم او پیمان ورشو و به دنبال آن، اتحاد شوروی را منحل کردند، شروع شد. و این آشفته گی بلافاصله پس از پاک کردن ابرقدرت شوروی از نقشه جهان آغاز گردید. هیچ کس سهم بزرگ المان و دیگر کشورهای اروپائی در مثله کردن یوگسلاوی و برافروختن آتش جنگ در میان اجزاء آن را فراموش نکرده است. علاوه بر این، بمباران ۷۹ روزه یوگسلاوی به بهانه «مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر» در «قاره صلح» سازماندهی شد. این، اولین جنگ پس از جنگ جهانی دوم در اروپا بود و آن را ایالات متحده امریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا

با برنامه قبلی، برای پاک کردن رژیم سلابادان میلوشوویچ از روی زمین که مانع اصلی در ترسیم نقشه موزائیک بالکان بود، به راه انداختند.

فراموش کردن تاریخ ماجراجویی سال ۱۹۹۹ ناتو- اتحادیه اروپا در یوگسلاوی را، که در واقع تاریخ نظامیگری جدید آورو- آتلانتیک در پوشش حفاظت از صلح بود، به ما تلقین می کنند. در پی اعطای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا، به ویژه در برلین شادمانی می کنند. زیرا، سازمان آدمکشان کوزوو، که منطقه باستانی صرب را در خون خود غرقه ساخت، دقیقاً به دست المانی ها تشکیل گردید. چرا که اردوگاه «فراریان آلبانی» را دقیقاً در قلمرو المان تشکیل داده و به منظور اعزام به کوزوو از راه ایتالیا و البانی، به سلاحهای خریداری شده با پول المان تسلیح کردند.

سپس جنگی شروع شد که هزاران صرب را به کام خود کشید، و کشورهای عضو اتحادیه اروپا فعال ترین شرکت کنندگان این جنگ بودند. اینک آنها دست آموز خود، هاشم تاچی را می چرانند. هم اکنون این شبه نظامی سابق «ارتش آزادیبخش کوزوو» فقط در پریشترین پناه نگرفته، بلکه قدم در راه بزرگی نهاده و باز هم راهزنی می کند اما، نه فقط در امریکا، بلکه در اروپا هم.

هم اکنون سازمانهای امنیتی اروپائی از دست مافیای مواد مخدر کوزوو ناله می کنند، اما این، تازه آغاز کار است. رژیم هاشم تاچی بزرگترین «ارمغان» خود برای «قاره صلح» را در صربستان جنوبی و مقدونیه آماده می کند و سپس کار خود را در یونان و ایتالیا ادامه خواهد داد. چرا؟ برای این که کار دیگری از دستش بر نمی آید. همه سران این رژیم از میان متجاوزان به عنف و قاتلان برخاسته اند و چنین نیز خواهند ماند.

آیا ما هم همه اینها را امروز «مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر» می نامیم؟

کشورهای انگلیس و فرانسه، عضو اتحادیه اروپا نقش اصلی را در سرنگونی دولت قانونی لیبیا ایفاء کردند. این درست است که جمله بندی کمیته نوبل ظاهراً با این مسأله ارتباط ندارد. زیرا، لیبیا در قاره دیگری واقع است و رویدادهای ناشی از قوانین ژئوپلیتیک در سواحل جنوبی دریای مدیترانه لزوماً مغز ساکنان سواحل شمالی آن را از کار انداخته است.

در هر حال، مهم این است که هنگام تصمیم گیری برای اعطای جایزه صلح، در کمیته نوبل چه روی می دهد؟ آیا احتمال دارد که تمام رویدادهای آنجا با همه تمدن غربی رابطه مستقیم داشته باشد؟ این تمدن مرکب از دو نیمه (امریکائی و اروپائی)، در سالهای اخیر به نوعی معتاد به مواد مخدر می ماند که در اثر خماری به حالت احتضار افتاده است. این معتاد ابتداء در نتیجه زیاده روی در تزریق مخدر (دالر)، دچار افسردگی شد و سپس قلب آن در امریکا، و اندامش در اروپا دچار تشنج گردید و تمام اعضای بدن این بیمار به خاطر یک چیز، یک دوز جدید ناله می کند.

یکی از شبکه های اجتماعی اینترنتی پس از انتشار این خبر حیرت انگیز نوشته بود: «بیچاره نوبل، پس از شنیدن خبر تبدیل کردن کمیته او به تیمارستان، شاید از مزار خود فرار کرده باشد».

البته، این سخن گزنده، شاید بی تأمل گفته شده ولی، این واقعیتی که کمیته نوبل از مدتها پیش به یک ابزار مطیع تحریفات سیاسی در دستان کسانی تبدیل شده که بی صبرانه در صدد بدل کردن همه جهان به تیمارستان هستند، صحیح است.

افزوده مترجم:

متأسفانه آقادی دمیتري سدوف خلاف تمام آثاری که از ایشان ترجمه کرده ام، در این مورد خاص بسیار خلاصه صحبت کرده و جنگهای اتحادیه اروپا در خارج از این قاره را در ردیف دستاوردهای «قاره صلح» برنشمرد است.

در حالی که همه کشورهای اروپائی از بیش از ده سال پیش در جنگ علیه مردم و استقلال افغانستان فعالانه شرکت می کنند، زنان، کودکان، جوانان و پیران این کشور بی دفاع را بی وقفه می کشند؛ درحالی که امریکا و انگلیس (عضو اتحادیه اروپا) با حمایت و پشتیبانی قاره اروپا عراق را به ویرانه تبدیل کردند و پس از قتل عام و فراری دادن چندین میلیون نفر از جمعیت آن، دهها هزار نفر تروریست و مزدور مسلح را برای ادامه کار خود در این کشور به جا گذاشتند؛ وقتی که نیروهای فرانسوی دولت ساحل عاج را سرنگون ساخته، معاون بانک جهانی را به ریاست جمهوری آن بر گماردند و یا در مدت همین یک سال و نیم گذشته، با حمایت مالی، تسلیحاتی، تبلیغاتی آموزشی و اطلاعاتی تروریسم بین المللی، سوریه را تا کنون بدتر از عراق و سومالی ویران کرده اند، چگونه می توان اروپا را «قاره صلح» نامید؟ مگر زمانیکه مسأله حل و فصل سیاسی بحران سوریه مطرح شد، همین مقامات اروپائی و امریکائی نبودند که مخالفان مسلح دولت سوریه را به ادامه جنگ فراخواندند؛ چه کسی عربده کشیهای مداوم مقامات انگلیس، فرانسه، آلمان... اعضای اتحادیه اروپا برای سرنگونی دولت سوریه را فراموش کرده است؟ مگر همین انگلیس عضو اتحادیه اروپا در اواسط ماه گذشته اعلام نکرد که ۵ میلیون پوند برای تجهیز تروریستهای در حال جنگ با سوریه به وسایل ارتباطی، کمک می کند؟ اروپا در کدام جنگ داخلی یا منطقه ئی حضور مستقیم یا نیابتی نداشته و یا به حل و فصل صلح آمیز کدام مناقشه کمک کرده است؟

آیا همین ترکیه همسایه ما، با پشتیبانی و حمایتهای اروپا و امریکا نیست که از موضع گردن کلفتانه با سوریه صحبت می کند؟ آیا اسرائیل در تمام دوره موجودیت خود، فلسطینیان را بدون حمایتهای همه جانبه امریکا و اروپا قتل عام می کند؛ خانه هایشان را بر سرشان خراب می سازد؛ هر روز اراضی بیشتری از خاک فلسطین را به اشغال خود درمی آورد؟...

نه! جنگ و جنایت و اشغالگری همزاد اروپاست و تا زمانی که درب جهان بر پاشنه کنونی می چرخد، هر نامی که نه فقط کمیته نوبل، حتی هر نهاد دیگری به اروپا بدهد، هر جایزه ای هم اعطاء نماید، در ماهیت اصلی آن تغییری ایجاد نمی شود. اروپا، مهد جنایت و جنگ و استعمار بود، هست و خواهد بود. اما تا کی؟...

<http://www.fondsk.ru/news/۱۴/۱۰/۲۰۱۲/nobelevskij-sumasshedshij-dom.html>

۲۶ مهر - میزان ۱۳۹۱